

فلسفه و منطق

سؤال ۱۲۶: گزینه ۱

بنابر متن کتاب درسی، «علمی که در پی جلوگیری از خطای اندیشه است، منطق نام دارد. منطق‌دانان کوشیده‌اند با بررسی انواع خطاهای ذهن و دسته‌بندی آن‌ها، راه‌های جلوگیری از آن‌ها را نشان دهند. ایشان قواعدی را که باید رعایت کنیم تا دچار خطای فکری یا اصطلاحاً مغالطه (سفسطه) نشویم، مشخص کرده‌اند.» بنابراین می‌توان گفت که منطق نوعی توجه (بررسی و تحقیق) به فرایند اندیشه انسان و شناخت آن و قواعد آن و آسیب‌های آن است.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه «۲»: ارسطو قواعد ذهنی را گسترش نداد.

گزینه «۳»: بیماری‌های ذهن (مغالطات) به صورت کلی قابل درمان نیستند. یعنی این‌طور نیست که با دانستن منطق ذهن دیگر امکان مغالطه را نداشته باشد بلکه می‌توان با به‌کار بستن قواعد منطق از وقوع مغالطات تا حدی جلوگیری کرد.

گزینه «۴»: آموختن منطق باعث پیچیده شدن استدلال‌ها نمی‌شود.

سؤال ۱۲۷: گزینه ۴

در گزینه «۴»، دو مفهوم «حیوان» و «انسان» با هم عموم و خصوص مطلق دارند.

سؤال ۱۲۸: گزینه ۲

قضیه موجود در گزینه «۲» را می‌توان با سور بیان کرد و در نتیجه محصوره است. این گزینه را می‌توان به این شکل بیان کرد: تمام دارندگان دفترچه بیمه، رایگان ویزیت شدند.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: فعل این جمله امری است و اصلاً قضیه نیست.

گزینه «۳»: این گزینه در مورد یک خانواده‌ی خاص است و در نتیجه شخصیه است.

گزینه «۴»: در این گزینه در مورد «صاحبان مشاغل آزاد» به عنوان یک مجموعه سخن گفته شده نه در مورد هر یک از مصادیق آن به صورت انفرادی و در نتیجه شخصیه است نه محصوره.

سؤال ۱۲۹: گزینه ۱

اگر قضیه «بعضی از معلمان ما در مسابقه دو، نفر اول شدند» کاذب باشد در نتیجه «هیچ یک از معلمان ما در مسابقه دو، نفر اول نشدند.» صادق خواهد بود و در نتیجه متداخل آن یعنی «بعضی از معلمان ما در مسابقه دو، اول نشدند.» نیز صادق خواهد بود.

سؤال ۱۳۰: گزینه ۳

چون «ب» در مقدمه‌ی قیاس هست اما در نتیجه نیست، در نتیجه می‌فهمیم که «ب» حد وسط است. از آنجایی که حد وسط در یک مقدمه علامت منفی دارد باید در مقدمه دیگر علامت‌اش منفی باشد. در همه گزینه‌ها علامت «ب» منفی است به جز گزینه «۳» که جواب صحیح خواهد بود.

سؤال ۱۳۱: گزینه ۲

این گزینه را می‌توان به این شکل مطرح کرد: اگر از منبع صدا دور باشیم، صدا ضعیف‌تر است؛ صدا ضعیف است پس از منبع صدا دور هستیم. از آنجایی که مقدمه دوم این قیاس استثنایی، در واقع همان تالی است بنابراین در این قیاس وضع تالی رخ داده است و مغالطه آمیز خواهد بود.

سؤال ۱۳۲: گزینه ۴

گزینه «۴» در واقع به نحوی ارتباط به تاریخ دارد و برای پاسخ گویی به این پرسش باید به استناد اطلاعات تاریخی، بگوییم که نظر رواقیون در مورد یک موضوع خاص چه بوده است. از طرف مقابل سایر گزینه‌ها پرسش‌های اساسی و بنیادینی را مطرح می‌کنند که موضوع فلسفه است.

سؤال ۱۳۳: گزینه ۴

یکی از جملات معروف تالس که از او نقل شده است، این قول است که: «همه چیز پر از خدایان است.» این دیدگاه به وضوح اسطوره‌ایست و به جنبه‌ی اسطوره‌ای و نمادین و تمثیلی اندیشه‌ی تالس مربوط است. بنابراین می‌توان گفت که تالس که به توان نخستین فیلسوف یونانی شناخته می‌شود، علاوه بر افکاری که همچنان رنگ و بوی اسطوره‌ای داشت، از زبان عقل نیز برای تبیین تغییرات جهان استفاده کرده است.

سؤال ۱۳۴: گزینه ۱

سقراط در مقام دفاع در برابر این اتهام ملتوس که او را متهم می‌کرد که جوانان را گمراه می‌کند گفت که او چون جهل کسانی که مدعی دانایی هستند را برملاء می‌کند، افراد فکر می‌کنند که او جواب سؤالاتی که خود مطرح می‌کند را می‌داند و به همین خاطر از او پیروی می‌کنند. بنابراین قصد سقراط گمراه کردن جوانان نیست بلکه به دنبال یافتن دانای حقیقی‌ست.

سؤال ۱۳۵: گزینه ۱

اساس بررسی‌های علمی و تجربی، اصولی مانند علیت و سنخیت علی و معلولی است که خود از شناخت تجربی به دست نیامده‌اند بلکه از جمله‌ی قواعد عقلی می‌باشند. بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه «۲»: خطای حس را عقل تشخیص می‌دهد نه خود حس و از طرف دیگر، عقل نیز هم مرتکب خطا می‌شوند و هم خودش خطای خودش را تشخیص می‌دهد و به همین خاطر این موضوع تفاوت حس با سایر طرق شناخت نیست.

گزینه «۳»: عقل است که به ما می‌گوید از هر چیزی چه استفاده‌ای بکنیم.

گزینه «۴»: نسبت تهذیب نفس برای شناخت شهودی مانند حواس پنجگانه برای شناخت حسی نیست چون اساساً شناخت شهودی بر خلاف شناخت حسی، بی‌واسطه است.

سؤال ۱۳۶: گزینه ۴

پراگماتیست‌ها با این که یگانه ابزار شناخت حس می‌دانند اما معتقدند که همین ابزار نیز حقیقت را به ما نشان نمی‌دهد بلکه سودمندی دانسته‌هاست که حقیقت را نمایان می‌کند.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: کانت نبود که منشاء ظهور تجربه‌گرایی شد؛ خود کانت متأثر از تجربه‌گرایی بود.

گزینه «۲»: هیچ تجربه‌گرایی نقش عقل در شناخت تجربی را منکر نمی‌شوند.

گزینه «۳»: این گزینه دقیقاً برعکس بیان شده؛ از نظر کانت تصویرها و داده‌های حسی توسط حواس و بعدیت زمانی توسط قوه ادراکی فهمیده می‌شود.

سؤال ۱۳۷: گزینه ۴

کانت معتقد است که فعل اخلاقی باید فقط به خاطر پیروی از وجدان اخلاقی صورت گیرد. دقیقاً مانند همان چیزی در گزینه «۴» بیان شده است.

سؤال ۱۳۸: گزینه ۱

قضیه «مجموع زوایای داخلی مثلث ۱۸۰ درجه است.» یک قضیه ضروری است اما نیازمند دلیل است. گزینه «۱» نیز به همین شکل است. این که قضیه قابل صدق و کذب است ضروری است اما نیازمند دلیل می‌باشد. حمل «راست قامت» بر «انسان» ضروری نیست. حمل «اندیشنده» بر «انسان» و «دانش» بر «تصدیق» نیز ذاتی است و نیازمند دلیل نیست.

سؤال ۱۳۹: گزینه ۳

اگر معلول بدون علت هستی‌بخش‌اش وجود باید درست مانند آن است که در یک ترازوی سالم که دو کفه مساوی دارد، یکی از کفه‌ها ناگهان از حالت تعادل خارج شود و پایین برود.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: در مورد مثال صورت سؤال حتی علت ناقصه نیز وجود ندارد.

گزینه «۳»: اگر علت تامه از قبل وجود داشته باشد و معلول به وجود نیامده باشد مثل این است که با وجود سنگین‌تر بودن یک کفه ترازو، ترازو در حالت تعادل بماند.

گزینه «۴»: همه معلول‌ها ممکن بالذات هستند برای وجود نیاز به علت دارند. این امکان ذاتی در واقع همان متعادل بودن دو کفه یک ترازو بدون این که وزنه‌ای در یکی از طرفین باشد است.

سؤال ۱۴۰: گزینه ۲

«ضرورتاً موجود» نام و صفتی‌ست که برای انتساب خداوند به آن ضروری نیست که موجودی غیر خودش را در نظر بیاوریم. یعنی برای این که بتوان گفت خداوند موجودی‌ست که ضرورتاً وجود دارد لازم نیست تا موجود دیگری در نظر گرفته شود.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: «شریف‌ترین موجود» یعنی موجودی که از میان موجودات دیگر، بیشتری شرافت را داشته باشد. بنابراین باید موجودات دیگری باشند که خداوند بخواهد شریف‌ترین این مجموعه موجودات باشد. این گزینه به برهان درجات کمال ارسطو ارجاع دارد.

گزینه «۳»: محرک نامتحرک که اثبات وجود آن نتیجه نهایی برهان حرکت ارسطوست، در واقع مستلزم این است که موجودات متحرکی باشند تا در نتیجه به این برسیم که موجودی باید باشد که این موجودات را حرکت بدهد بدون آنی که خودش متحرک باشد و در نتیجه اطلاق این صفت به باری تعالی نیز مستلزم ملاحظه‌ی مخلوقات است.

گزینه «۴»: دمیورژ در واقع به معنی صانع است و بنابراین قطعاً باید مخلوقات را در کنار خداوند فرض کرد تا بشود این صفت را به او اطلاق کرد.

سؤال ۱۴۱: گزینه ۱ و ۳ - سؤال نادرست است.

بدیهی است که اساسی‌ترین تفاوت هر دو برهانی، تفاوت‌های آن دو در مقدمات‌شان است و در نتیجه گزینه «۱» پاسخ صحیحی خواهد بود. از طرف دیگر این گزاره نیز درست است که فارابی دو برهان دارد که یکی در مورد اثبات محال بودن تسلسل علل نامتناهی و دیگری در اثبات خداوند به وسیله‌ی آن است. اگر در سؤال گفته شده بود که فارابی فقط دو برهان دارد، گزینه «۳» غلط می‌بود اما اکنون که این مورد ذکر نشده است، این گزینه نیز صحیح است.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه «۲»: مقدمات برهان ملاصدرا با برهان ابن‌سینا متفاوت است.

گزینه «۴»: برهان ابن‌سینا حتی در حالی که به فرض، موجودات نامتناهی باشند نیز کارآمد است.

سؤال ۱۴۲: گزینه ۳

معنای رایج عقل میان مردم همان عقل به معنی قوه‌ی شناخت است و بنابراین گزینه‌های «۱» و «۲» رد می‌شوند. عقل با آن که ذاتی انسان است اما اینطور نیست که انسان به بدو تولد از آن برخوردار باشد و در بدو تولد صرفاً یک استعداد است. (رد گزینه «۴»)

عقل هم می‌تواند درباره‌ی هست و نیست (عقل نظری) و هم در مورد بایدها و نبایدها (عقل علمی) تحقیق کند و حکم صادر کند.

سؤال ۱۴۳: گزینه ۴

نهضت ترجمه باعث شد که آثار فلسفی به عربی ترجمه شود و با بهره‌گیری از آن مباحث اعتقادی به صورت مستحکم‌تری بیان شود و همچنین دانشمندانی نیز در علوم تجربی و طبیعی ظهور کردند.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: ظهور اولین فیلسوفان مسلمان برای قرن دوم هجری است.

گزینه «۲»: گسترش بحث‌های اعتقادی خود حیات عقلی است نه این که منجر به آن شود.

گزینه «۳»: در نهضت ترجمه آثار به عربی ترجمه شدند نه این که از عربی به زبان‌های دیگر ترجمه شوند.

سؤال ۱۴۴: گزینه ۳

به گفته‌ی قطب‌الدین رازی: «حکمت اشراق، حکمتی است که اساس آن و بنیان آن اشراق است. اشراق نیز عبارت است از کشف و شهود». بنابراین اساس حکمت اشراقی، شهود قلبی است البته اگر یک دستگاه فکری بخواهد، فلسفه نام بگیرد باید حتماً در قالب عقلانی بیان شده باشد و در نتیجه حکمت اشراق نیز از این قاعده مستثنی نیست.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: ریاست جامعه لزوماً به دست حکیم متأله نیست.

گزینه «۲»: نفس انسانی اساساً متعلق به شرق است و جنبه‌ی نورانی وجود انسان است. این کل وجود انسانی است که به واسطه‌ی حجاب بدن و جسم، در مغرب وسطی جای گرفته است.

گزینه «۳»: دلیل نام گذاری حکمت اشراق به این نام، این نیست که ظهور دست‌آوردهای فکری حکیمان اهل فارس است، بلکه به همان دلیلی است که در صدر پاسخنامه بیان شد.

سؤال ۱۴۵: گزینه ۱

علامه طباطبایی کتابی دارد به نام «اصول فلسفه و روش رئالیسم» که در آن مباحث فلسفه اسلامی را در مقابل فلسفه‌های ماتریالیستی و مارکسیستی بیان می‌کند و روشی تطبیقی دارد که تا آن زمان در میان مسلمانان سابقه نداشته است.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه «۲»: اینطوری نبود که کلاس‌های ایشان از ابتدا حضورشان در قم شلوغ و پررونق باشد.

گزینه «۳»: روش تفسیری قرآن به قرآن را علامه طباطبایی از آیت‌الله قاضی آموخت نه امام خمینی.

گزینه «۴»: ارتباط ایشان با خاورشناسان و فیلسوفان خارجی باعث تألیف کتاب‌هایی شد که منجر به آشنایی بیشتر با تشیع شد.